

## اشارات الساعه (نشانه های قیامت)

علی بن ابراهیم قمی که در بیش از هزار سال پیش می زیسته است و تفسیر او از مصادر کتب شیعه محسوب می گردد، روایتی را از سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که در حَجَّةُ الوداع ، رسول خدا در مسجد الحرام در حالیکه حلقه های در کعبه را به دست گرفته بودند، بیان کرده اند.

عبدالله بن عباس که او گفت : ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حَجَّةُ الوداع به حج مشرف شدیم .

رسول خدا حلقه در خانه خدا را گرفت و رو به ما نموده و با سیمای مبارکش ما را مخاطب قرار داد.

**فَقَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ؟**

**وَ كَانَ أَدْنَى النَّاسِ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ!**

«و گفت : آیا می خواهید من شما را به علائم و نشانه های قیامت باخبر کنم ؟

و در آن هنگام نزدیک ترین افراد به رسول خدا سلمان بود، و گفت : ای رسول خدا! بله ما می خواهیم ما را باخبر کنی !»

**فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ الْقِيَامَةِ، إِضَاعَةَ الصَّلَاةِ، وَ اتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ، وَ الْمَيْلَ مَعَ الْأَهْوَاءِ، وَ تَعْظِيمَ الْمَالِ، وَ بَيْعَ الدِّينِ بِالدُّنْيَا؛ فَعِنْدَهَا يُدَابُّ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ وَ جَوْفُهُ كَمَا يُدُوبُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ، مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُغَيِّرَهُ.**

«پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بدرستیکه از علامات قیامت

آن است که مردم نماز را خراب می کنند، و از شهوات پیروی می نمایند، و تمایلشان بسوی هوای نفسانی است ، مال را بزرگ می شمردند، و دین را به دنیا می فروشند. و در چنین شرائط و موقعیتی ، همانطور که نمک در آب حلّ میشود، دل مؤمن و اندرون او آب می شود و حلّ می گردد؛ چون منکرات را در برابر دیدگان خود می بیند، و قدرت تغییر و اصلاح آنها را ندارد.»

**قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!**

«سلمان گفت : اینها از اموری است که حتماً تحقق می یابد؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری ، سوگند به آن کسی که جان من در دست اوست !»

**يَا سَلْمَانُ! إِنَّ عِنْدَهَا يَلِيهِمْ أُمَّرَاءُ جَوْرَةٌ، وَوُزَرَآءُ فَسَقَةٌ، وَعُرَفَاءُ ظَلَمَةٌ، وَ أُمَنَاءُ خَوْنَةٌ.**

«ای سلمان ! در آن وقت افرادی که بر مردم حکومت دارند و زمام آنها را در دست داشته و بر آنها ولایت و سیطره دارند عبارتند از حاکمانی که همه آنها ستمکار و ظالمند، و وزرائی که فاسقند، و حکام و استانداران و فرماندارانی که همه اهل جور و ستم هستند، و امین هائی که همه اهل خیانتند.»

**فَقَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!**

«سلمان گفت : و اینها از امور مسلمه ای است که پیدا خواهد شد؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری سوگند به خدائی که جان من در دست اوست !»

يَا سَلْمَانُ! إِنَّ عِنْدَهَا يَكُونُ الْمُنْكَرُ مَعْرُوفًا؛ وَالْمَعْرُوفُ مُنْكَرًا، وَاتُّمِنَ الْخَائِنُ؛ وَ يُخَوَّنُ  
الْأَمِينُ، وَ يُصَدِّقُ الْكَاذِبُ؛ وَ يُكَذِّبُ الصَّادِقُ.

«ای سلمان ! در آن موقعیت کارهای بد و ناپسند در بین مردم به صورت کارهای  
شایسته و پسندیده در آید؛ و کارهای پسندیده و نیکو به صورت کارهای نکوهیده و  
ناپسند جلوه کند. و مردمان خیانت پیشه مورد وثوق و امانت واقع شوند؛ و به افراد امین  
و درستکار نسبت خیانت داده شود. و مرد دروغگو را تصدیق کنند و به دروغ های او مهر  
صحت و درستی بنهند؛ و مرد راستگو و درست را دروغگو شمارند و به گفتار او ترتیب اثر  
ندهند.»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِي وَ الَّذِي  
نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : و اینها مسلماً واقع خواهد شد ای رسول خدا؟ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ  
عليه وآله وسلم فرمود: آری سوگند به آن کسی که جان من در دست اوست !»

يَا سَلْمَانُ! فَعِنْدَهَا إِمَارَةُ النِّسَاءِ، وَ مُشَاوَرَةُ الْأَمَاءِ، وَ قُعُودُ الصَّبِيَّانِ عَلَى الْمَنَابِرِ، وَ يَكُونُ  
الْكَذِبُ طُرْفًا، وَ الزُّكُوتُ مَغْرَمًا، وَ الْفَيْئُ مَغْنَمًا، وَ يَجْفُو الرَّجُلُ وَالِدِيهِ، وَ يَبْرُّ صَدِيقَهُ، وَ  
يَطْلُعُ الْكُوكَبُ الْمُدَنَّبُ.

«ای سلمان ! در آن هنگام زنان بر مردان حکومت می کنند، و با کنیزان مشورت می  
نمایند. (یعنی در امور سیاسی ، کنیزان که در خانه های آنها هستند، مورد مشورت قرار  
می گیرند.) و بچه ها - که کنایه از افراد بی بصیرت و بی دانش باشد - بر منبرها بالا می  
روند و برای مردم خطبه می خوانند، و زمام امور تبلیغاتی مردم را این افراد کم تجربه و

کم خرد در دست می گیرند. و دروغگوئی و دروغپزدازی از کارهای طُرفه و فکاهی و ظریف شمرده می شود. و دادن زکاه مال را ضرر، و غرامت می پندارند، و هر گونه دسترسی به بیت المال و ربودن اموال عامّه را غنیمت و بهره می شمارند. مردم با پدر و مادر خود جفا می کنند و به آنها بی اعتنائی نموده، آنان را سبک می شمردند و از اداء حقوق واجبه و مستحسنة آنها بر نمی آیند ولیکن با دوستان خود احسان و نیکوئی می نمایند. و ستاره دنباله دار در آسمان طلوع می کند.»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت: و این امور مسلماً به وقوع می پیوندد ای رسول خدا؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری سوگند به آن خدائی که جان من در دست قدرت اوست!»

يَا سَلْمَانُ! وَعِنْدَهَا تُشَارِكُ الْمَرْأَةَ زَوْجَهَا فِي التِّجَارَةِ، وَيَكُونُ الْمَطْرُ قَيْظًا، وَ يُغَيِّظُ الْكِرَامَ غَيْظًا، وَ يُحْتَقِرُ الرَّجُلُ الْمُعْسِرُ، فَعِنْدَهَا يُقَارِبُ الْأَسْوَاقُ، إِذَا قَالَ هَذَا: لَمْ أَبِحْ شَيْئًا وَ قَالَ هَذَا: لَمْ أَرْبِحْ شَيْئًا، فَلَا تَرَى إِلَّا ذَآمًا لِلَّهِ.

«ای سلمان! در آن زمان زنان با شوهرانشان در امور خارج از منزل مانند تجارت شرکت می کنند. و باران در تابستان می بارد. و مردمان بزرگ و بزرگوار پیوسته مورد خشم و غضب و غیظ قرار می گیرند. و مردم بی چیز و تنگدست مورد اهانت و تحقیر قرار می گیرند. در آن زمان بازارها به هم نزدیک می شوند. و در صورتی که محل خرید و فروش بسیار است همه مردم از کار و کسب خود در گله و شکوه هستند، یکی می گوید: من

چیزی نفروختم ، و دیگری می گوید: سودی نبردم ؛ و در آن وقت می نگری که تمام مردم در مقام گلایه از خدا و مذمت او هستند.»

**قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!**

«سلمان گفت : ای رسول خدا! چنین اموری واقع می شود؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری سوگند به آنکه جان من در دست اوست!»

**يَا سَلْمَانُ! فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَقْوَامٌ إِنْ تَكَلَّمُوا قَتَلُوهُمْ، وَإِنْ سَكَتُوا اسْتَبَاحُوهُمْ لَيْسَتْ أُنْرُوا بِفِيئِهِمْ، وَ لِيَطْوُنَّ حُرْمَتَهُمْ، وَ لِيَسْفِكَنَّ دِمَاءَهُمْ، وَ لِيَمْلُونَنَّ قُلُوبَهُمْ رُعبًا، فَلَا تَرَاهُمْ إِلَّا وَجِلِينَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ مَرْهُوبِينَ.**

«ای سلمان ! در آن زمان بر مردم حکومت می کنند کسانی که اگر مردم برای دفاع از حقوق خود و برای حقّ اولیّه خود و کوچکترین مطلبی که در آن شائبه سیادت و حرّیت و آزادی فکر باشد، سخن گویند، آنها را می کُشند، و اگر مردم سکوت هم اختیار کنند، آنان اموال و نفوس و أعراض ایشان را مباح می شمرند، و برای استفاده از کار و زحمت و دسترنج آنها از خوردن خون آنها دریغ نمی کنند، و زنان و دختران ایشان را به بیگاری می برند و اعمال منافی عفتّ انجام می دهند و احترام آنها را پایمال می کنند، و خون مردم بیچاره و ضعیف را بی محابا و بدون پروا می ریزند، و در دل هایشان از خوف و دهشت و هراس به اندازه ای وارد می کنند که هیچکس حقّ نفس کشیدن ندارد. ای سلمان ! در آن زمان تمام مردم رعیت ، ترسناک و خائف و وحشت زده و هراسناک خواهند بود.»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالدِّي نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا این امور واقع شدنی است ؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری ، سوگند به آن کسی که نفس من در دست اوست !»

يَا سَلْمَانُ! إِنَّ عِنْدَهَا يُؤْتَى بِشَيْءٍ مِنَ الْمَشْرِقِ وَشَيْءٍ مِنَ الْمَغْرِبِ يَلُونُ أُمَّتِي ؛ فَالْوَيْلُ لِمَنْ لَضَعَفَاءَ أُمَّتِي مِنْهُمْ، وَالْوَيْلُ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ؛ لَا يَرْحَمُونَ صَغِيرًا، وَلَا يُوقِرُونَ كَبِيرًا، وَلَا يَتَجَاوَزُونَ عَنْ مُسِيءٍ. أَخْبَارُهُمْ خَنَاءٌ. جُنَّتْهُمْ جُنَّةٌ لَا دَمِيئِينَ، وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ.

«ای سلمان ! در آن زمان چیزی را از طرف مشرق برای مردم می آورند و چیز دیگری را از طرف مغرب و بدینوسیله امت مرا رنگ می کنند؛ پس ای وای بر ضعیفان امت من از دست این ستمگران ، و ای وای بر ایشان از خدا؛ به افراد کوچک و زبردست رحم نمی آورند، و بزرگان را توقیر و احترام نمی کنند و از خطاکار و شخصی که در امور شخصی بدی کند در نمیگذرند و او را مورد عفو و اغماض خود قرار نمیدهند. گفتار آنان همه فحش و زشتی است . هیکل آنان هیکل آدمی است ولی دلهای آنها دلهای شیاطین است .»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالدِّي نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا این امور مسلمه واقع شدنی است ؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری ، سوگند به آنکه جان من در دست اوست !»

يَا سَلْمَانُ! وَعِنْدَهَا يَكْتَفِي الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، وَ يُغَارُ عَلَى الْغُلْمَانِ كَمَا  
يُغَارُ عَلَى الْجَارِيَةِ فِي بَيْتِ أَهْلِهَا. وَ تَشَبَّهُ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ، وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَ يَرَكَبَنَّ  
ذَوَاتُ الْفُرُوجِ الشُّرُوجَ؛ فَعَلَيْهِنَّ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ!

«ای سلمان ! در آن وقت مردها به مردها اکتفا می کنند، و زنها به زنها اکتفا می نمایند. و در آن زمان همانطور که زن در خانه شوهرش مورد حفظ و حراست واقع می شود که کسی به او تعدی نکند و در استمتاعات اختصاص به مرد خود داشته باشد، همینطور افرادی ، جوانان تازه به سن رسیده و آمد را به خود اختصاص داده در اعمال نامشروع مورد حراست و حفظ خود قرار می دهند تا کسی دیگر به آنها توجهی نکند. مردها خود را شبیه به زنان می کنند، و زنان خود را شبیه به مردان می نمایند. و افرادی که دارای رَجَم هستند و برای تولید مثل آفریده شده اند که منظور زنان می باشند، سوار بر زین ها می شوند؛ پس بر آن زنان از امت من لعنت خدا باد.»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِي وَ  
الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! اینها از امور واقع شدنی هستند؟ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود: آری سوگند به آن کسی که جان من در دست اوست !»

يَا سَلْمَانُ! إِنَّ عِنْدَهَا تُزَخَّرُ الْمَسَاجِدُ كَمَا تُزَخَّرُ الْبَيْعُ وَ الْكِنَائِسُ، وَ تُحَلَّى الْمَصَاحِفُ،  
وَ تُطَوَّلُ الْمَنَارَاتُ، وَ تَكْثُرُ الصُّفُوفُ بِقُلُوبٍ مُتَبَاغِضَةٍ وَ أَلْسِنٍ مُخْتَلِفَةٍ.

«ای سلمان ! در آن وقت مساجد را زینت می کنند همچنانکه معبدهای نصاری و یهود را زینت می کنند، و قرآن ها را به زیور و شکل و نقاشی ها آراسته و پیراسته می کنند، و مناره ها و مأذنه های مساجد را بلند می سازند تا اِشْرَاف بر خانه های اطراف پیدا میکند،

و صف های نماز جماعت بسیار میشود و مردم در این نمازها زیاد شرکت می کنند ولی با دلپهایی پر از کین و حسد و عداوت با یکدیگر، و با زبانهای منافقانه و سخن هائی مزورانه و آلوده به نیت های فاسده .»

**قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!**

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا اینها واقع میشوند؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری سوگند به آنکه نفس من در دست قدرت اوست!»

**وَ عِنْدَهَا تَحَلَّى ذُكُورُ أُمَّتِي بِالذَّهَبِ، وَ يَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيَبَاجَ، وَ يَتَّخِذُونَ جُلُودَ النَّمُورِ صَفَاقًا!**

«در آن وضعیّت ، مردان امت من خود را به طلا زینت می کنند، و لباس حریر و دیبا می پوشند، و پوست پلنگ را برای خود جامه می کنند.»

**قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!**

«سلمان گفت : آیا اینها از امور واقع شدنی است ای رسول خدا؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری سوگند به آنکه جان من در دست قدرت اوست!»

**يَا سَلْمَانُ! وَ عِنْدَهَا يَطْهَرُ الرَّبَّاءُ، وَ يَتَعَامَلُونَ بِالْغَيْبَةِ وَ الرَّشَى . وَ يُوضَعُ الدِّينُ، وَ يُرْفَعُ الدُّنْيَا.**



«ای سلمان ! در آن موقع رباخوری در بین مردم ظاهر و آشکارا می‌گردد، و مردم با یکدیگر با غیبت و رشوه معامله می‌کنند. و دین در نزد مردم ضعیف و به درجات نازلی پائین می‌آید، ولیکن دنیا قوی و به درجات عالی در بین مردم بالا می‌رود.»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَ  
الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا اینها از امور واقع شدنی است ؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری سوگند به آنکه جان من به دست اوست !»

يَا سَلْمَانُ! وَعِنْدَهَا يَكْثُرُ الطَّلَاقُ، فَلَا يُقَامُ لِلَّهِ حَدٌّ؛ وَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.

«ای سلمان ! در آن زمان طلاق زیاد واقع می‌شود، و حدّ الهی جاری نمی‌گردد؛ و اینها ابداً به خداوند ضرری نمیرساند.»

فَقَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَ  
الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا این مسلماً واقع میشود؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری سوگند به آنکه جان من در دست اوست !»

يَا سَلْمَانُ! وَعِنْدَهَا تَظْهَرُ الْقَيْنَاتُ وَالْمَعَازِفُ، وَيَلِيهِمْ أَشْرَارُ أُمَّتِي .

«ای سلمان ! در آن زمان زنان آوازه خوان در بین مردم به هم میرسد، و استعمال آلات موسیقی رواج پیدا میکند، و بر مردم، شریرتین افراد از امت من حکومت می‌کنند.»

قَالَ سَلْمَانُ: إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَ الَّذِي  
نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا این امر واقع می شود؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلم فرمود: آری سوگند به آنکه جان من در دست اوست!»

يَا سَلْمَانُ! وَ عِنْدَهَا يَحُجُّ أَغْنِيَاءُ أُمَّتِي لِلنُّزْهَةِ، وَ يَحُجُّ أَوْسَاطُهَا لِلتَّجَارَةِ، وَ يَحُجُّ فَقَرَاؤُهُمْ  
لِلرِّثَاءِ وَ السُّمَعَةِ. فَعِنْدَهَا يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ، وَ يَتَّخِذُونَهُ مَزَامِيرَ. وَ  
يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ. وَ يَكْثُرُ أَوْلَادُ الزِّنَاءِ. وَ يَتَخَنَّوْنَ بِالْقُرْآنِ. وَ يَتَهَافَتُونَ  
بِالدُّنْيَا.

«ای سلمان ! در آن زمان ، اغنیاء و ثروتمندان امت من که به حج می روند برای تفریح و تفرج است ، و حج متوسّطین از امت برای تجارت و خرید و فروش است ، و حج فقراء از امت من برای خودنمائی و صیت و شهرت است .

در آن هنگام بسیاری از افراد مردم قرآن را برای غیر خدا یاد می گیرند، و قرآن را به صورت آهنگ موسیقی در مزمار و آلات موسیقی می نوازند. و دستجات و گروه هائی هستند که برای غیر خدا به دنبال علوم دینیّه اسلامیّه می روند و برای فقاہت تلاش می کنند. و اولاد زنا در بین مردم بسیار پدید می آید. و قرآن را به صورت لهو و با صوت تغنی غیر مشروع می خوانند. و همگی مردم برای رسیدن به دنیا و شئون دنیا کوشش می کنند و مسابقه می دهند، و سعی می کنند تا بتوانند در امور دنیا از یکدیگر پیشی گیرند.»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَ الَّذِي  
نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا اینها از امور حتمیه است ؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: آری سوگند به آن کسی که نفس من در دست اوست !»

يَا سَلْمَانَ! ذَاكَ إِذَا انْتَهَكْتَ الْمَحَارِمَ، وَ اكْتَسَبْتَ الْمَائِمَ، وَ سُلِّطَ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ، وَ يَفْشُو الْكِذْبُ، وَ تَظْهَرُ اللَّجَاجَةُ، وَ تَفْشُو الْفَاقَةُ، وَ يَتَبَاهَوْنَ فِي اللَّيْبَاسِ، وَ يَمْطَرُونَ فِي غَيْرِ أَوَانِ الْمَطَرِ، وَ يَسْتَحْسِنُونَ الْكُوبَةَ وَ الْمَعَازِفَ وَ يُنْكِرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، حَتَّى يَكُونَ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَذَلَّ مَنْ فِي الْأُمَّةِ، وَ يُظْهَرُ قُرْأُوهُمْ وَ عِبَادُهُمْ فِيمَا بَيْنَهُمُ التَّلَاؤُمَ.

فَأُولَئِكَ يُدْعَوْنَ فِي مَلَكَاتِ السَّمَوَاتِ: الْأَرْجَاسَ وَ الْأَنْجَاسَ.

«ای سلمان ! در آن زمان پرده عصمت مردم پاره می شود، و محرّمات الهیه به جای آورده می شود، و حریم عفاف دریده می گردد، و معصیت های خدا رائج می گردد، و بدان و اشرار بر اخیار و خوبان تسلّط پیدا می کنند، و دروغ علناً رائج و در بین توده مردم شایع می شود، و لجاج و خودسری و استکبار ظاهر می گردد، و نیازمندی و احتیاج ، همه توده ها را فرا می گیرد. مردم به لباس خود بر یکدیگر فخریه و مباهات می کنند، و باران های فراوان در غیر فصل باران پیدا می شود، و اشتغال به لهو و لعب از قبیل بازی کردن با باطل و تار و آلات موسیقی را امری پسندیده و نیکو می شمردند و امر به معروف و نهی از منکر را گذشته از آنکه به جای نمی آوردند، امر نکوهیده و ناپسند می دانند.

زمانه و وضعیّت محیط در آن زمان به قدری انحطاط پیدا می کند که مردمان مؤمن و استوار با ایمان راستین در آن زمان از تمام افراد امت پست تر و حقیرتر و ذلیل تر خواهند بود. و در بین زهاد و عبّاد و همچنین در بین علماء و قُرّائشان حسّ بدبینی و بدخواهی ظهور نموده و پیوسته در صدد عیب جوئی و ملامت از یکدیگر بر می آیند.

این چنین افرادی با چنین روحیه و عادت و با چنین ملکات و صفاتی در ملکوت آسمان ها به أرجاس و أنجاس یعنی موجودات پلید و کثیف و نجس خوانده می شوند.»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا اینها واقع شدنی است ؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری سوگند به آن خدائی که جان من در دست اوست !»

يَا سَلْمَانُ! فَعِنْدَهَا لَا يَخْشَى الْغَنَى إِلَّا الْفَقْرَ، حَتَّى أَنْ السَّائِلَ لَيْسَأَلُ فِيمَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ، لَا يُصِيبُ أَحَدًا يَضَعُ فِي يَدِهِ شَيْئًا.

«ای سلمان ! در آن هنگام افراد ثروتمند و متمول بیش از همه کس از فقر نگرانند، به فقراء و ضعفاء کمکی نمی شود و کسی بر آنان رحمت نمی آورد، حتی افراد سائل در طول مدت یک هفته که از این جمعه تا آن جمعه باشد سؤال می کنند و کسی پیدا نمی شود که در دست آنان چیزی گذارد.»

قَالَ سَلْمَانُ: وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ!

«سلمان گفت : ای رسول خدا! آیا اینها شدنی است ؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آری سوگند به خدائی که نفس من در دست قدرت اوست !»

يَا سَلْمَانُ! عِنْدَهَا يَتَكَلَّمُ الرَّؤْيِيضَةُ. فَقَالَ: وَمَا الرَّؤْيِيضَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَتَكَلَّمُ فِي أَمْرِ الْعَامَّةِ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَتَكَلَّمُ. فَلَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى تَخُورَ الْأَرْضُ خَوْرَةً، فَلَا يَظُنُّ كُلُّ قَوْمٍ إِلَّا أَنَّهَا خَارَتْ فِي نَاحِيَّتِهِمْ، فَيَمْكُثُونَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يُنْكِتُونَ فِي مَكْثِهِمْ، فَتَلْقَى لَهُمُ الْأَرْضُ أَفْلاذَ ذَكَبِهَا.

قَالَ: ذَهَبُ وَفِضَّةٌ، ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَسَاطِينِ، فَقَالَ: مِثْلُ هَذَا.

فَيَوْمِئِذٍ لَا يَنْفَعُ ذَهَبٌ وَلَا فِضَّةٌ. فَهَذَا مَعْنَى قَوْلِهِ: فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا.

«ای سلمان ! و در آن موقعیت «روبیضه» تکلم می کند و سخن می گوید:

سلمان گفت : فدایت شود پدرم و مادرم ای رسول خدا! مراد از روبیضه چیست ؟

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: در امور اجتماعی مردم و اوضاع عامه کسی تکلم میکند و ارشادات مردم را به عهده دارد که شأن او ارشاد و هدایت و ولایت بر مردم نیست .

چون این قضایا واقع گردد و این علائم تحقق یابد دیگر مدّت درازی به طول نمی انجامد، بلکه درنگ نمی کنند مردم، مگر زمان اندکی که ناگهان زمین صیحه عجیبی می کشد، و این صدا و صیحه بطوری تمام بسیط زمین را فرا می گیرد که هر کس چنین می پندارد که این صیحه در ناحیه و موطن او واقع شده است . و پس از صیحه به قدری که خداوند اراده اش تعلق گیرد، باز مردم در روی زمین درنگ می کنند، و در این اقامت و درنگ دچار گرفتاری ها و مشقّات و تکان ها می گردند.

و زمین پاره های جگر خود را بیرون می ریزد، و منظور از پاره های جگر طلاها و نقره هاست .

حضرت رسول اکرم در این حال با دست خود اشاره کردند به ستون هائی که در آنجا نصب شده بود و فرمودند: پاره های جگر زمین و قطعات طلا و نقره مثل این ستون ها.

اما در آن روز، دیگر طلا و نقره فائده ای ندارد، و اینست معنای گفتار خدای تعالی :

فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا پس به درستی که حَقًّا علائم قیامت به وقوع پیوسته است .»